

# The Role of content qualities in strategic architectural spatial design (case study: Navideh, Sedeh, Vishkananak, Kadusara, Kiasara and Karbasdeh villages)

Hamzeh Gholamalizadeh \*

Assistant Professor, Faculty of Arts and Architecture, University of Guilan, Rasht, Iran.

Zahra Mohaddesi Gilvayi

M.Sc. student in Architecture, Faculty of Arts and Architecture, University of Guilan, Rasht, Iran.

\*Corresponding author's email address:

H.Gholamalizadeh@yahoo.com

## How to cite this article:

Hamzeh Gholamalizadeh, Zahra Mohaddesi Gilvayi, The Role of Content Qualities in Strategic Architectural Spatial Design (Case Study: Navideh, Sedeh, Vishkananak, Kadusara, Kiasara and Karbasdeh Villages), Journal of Engineering and Construction Management (JECM), 2021; 5(4):27-35.

## Abstract

Every context and region has conditions, principles and rules that affect the formation of the architecture of that region. These factors include different sections such as historical, geographical and cultural aspects. Qualitative factors and principles play a very important role in examining these aspects. These principles act as sub-branches of these aspects and affect their structure. But today, due to the modernization and globalization of architecture, less attention is paid to these aspects and they are being forgotten. While addressing these issues is very important and leads to the connection and harmony of their architecture and context, and the lack of coordination between the two leads to disunity and inconsistency. The purpose of this study is to find qualitative principles. These principles help to connect and coordinate between the architecture and the area and create a pleasant feeling in the audience and users. The research method is descriptive and analytical and the data collection method is library and field study. In this research, qualitative principles and its sub-branches have been studied in such a way that they can be the connecting line between architecture and its environmental and contextual aspects.

## Keywords

Content qualities, strategic design, strategic space design.

# نقش کیفیات محتوایی در طراحی راهبردی فضایی معماری (مطالعه موردی: روستاهای نویده، سده، ویشکانانک، کدوسرا، کیاسرا و کرباسده)

حمزه غلامعلی زاده \*

استادیار، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

زهره محدثی گیلوایی

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱

## ارجاع به مقاله:

حمزه غلامعلی زاده، زهره محدثی گیلوایی، نقش کیفیات محتوایی در طراحی راهبردی فضایی معماری (مطالعه موردی: روستاهای نویده، سده، ویشکانانک، کدوسرا، کیاسرا و کرباسده)، مهندسی و مدیریت ساخت، ۱۳۹۹؛ ۵ (۴): ۲۷-۳۵.

## چکیده

هر بستر و منطقه ای دارای شرایط، اصول و قواعدی است که در شکل گیری معماری آن منطقه تاثیر گذار است. این عوامل شامل بخش های متفاوتی چون جنبه های تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی می شود. در بررسی این جنبه ها عوامل و اصول کیفی نقش بسیار مهمی دارند. این اصول چون زیرشاخه های این جنبه ها عمل می کنند و در ساختار آن ها تاثیر می گذارند. اما امروزه با توجه به مدرنیزاسیون و جهانی سازی معماری کمتر به این جنبه ها پرداخته می شود و رو به فراموشی هستند. در حالی که پرداختن به این امور بسیار مهم و حائز اهمیت است و منجر به پیوند و همخوانی معماری و بستر خود می شوند و عدم هماهنگی بین این دو موجب از هم گسیختگی و ناهمخوانی می شود. هدف از این پژوهش یافتن اصول کیفی است. این اصول به ارتباط و هماهنگی بین معماری و منطقه ی خود کمک کرده و موجب به وجود آمدن احساس خوشایندی در مخاطبان و کاربران می شود. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات مطالعه ی کتابخانه ای و میدانی است. در این پژوهش به اصول کیفی و زیرشاخه های آن به نحوی پرداخته شده است که بتوانند خط اتصالی مابین معماری و جنبه های محیطی و زمینه ای آن باشد.

## کلمات کلیدی

کیفیات محتوایی، طراحی راهبردی، طراحی راهبردی فضایی.

## ۱- مقدمه

در این مقاله تلاش می شود تا به گوشه ای از تاثیرات کیفیات محتوایی بر معماری ساختمان های گیلانی اشاره شود. در این پژوهش به تشریح جز به جز عناصر سازنده ی معماری گیلان با توجه به

تاثیرات کیفیات محتوایی پرداخته می شود، می توان گفت تفاوت این مقاله با سایر مقالات در نوع نگرش به کیفیات محتوایی در معماری است که در این تحقیق، کیفیات محتوایی یکی از عوامل بسیار مهم و تاثیرگذار در معماری بومی در نظر گرفته می شود.



5 (4), 2021

دوره ۵، شماره ۴

زمستان ۱۳۹۹

فصلنامه پژوهشی



نقش کیفیات محتوایی در طراحی راهبردی فضایی معماری (مطالعه موردی: روستاهای نویده، سده، ویشکانانک، کدوسرا، کیاسرا و کرباسده)

## بیان مسئله

هر زمینه و بستری دارای جنبه هایی از جمله جنبه های تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی مختص به خود است. بنابراین اگر قرار باشد هویت و تداوم فرهنگی جامعه حفظ شود باید در شکل ها و موضوعات مختلف از جمله هنری، فرهنگی و اجتماعی به ویژگی های کالبدی توجه شود. معماری از جمله مهم ترین زمینه هایی است که در هر بستری شکل می گیرد اما با توجه به مدرنیزاسیون و جهانی سازی، جنبه هایی از معماری مورد توجه قرار گرفته اند که به یکنواختی ساختمان ها در مناطق مختلف می پردازند. این مسئله موجب اختلال در زندگی جوامع مختلف شده و تاثیرات روانشناختی ناموزونی بر روان افراد خواهد گذاشت.

## اهمیت موضوع

این موضوع به چگونگی ارتباط بین معماری و بستر خود با توجه به زمینه ها و زیرشاخه های متعددی که در این موضوع نقش دارند، می پردازد. کیفیات محتوایی می توانند راه های اتصال بین این دو وجه باشند که در صورت نادیده گرفته شدن موجب انحطاط و زوال فرهنگی و هویتی جنبه های روانشناختی در جوامع می شوند.

## ادبیات و پیشینه تحقیق

جان لنگ در کتاب آفرینش نظریه ی معماری به بررسی سطوح کیفی می پردازد و به جنبه هایی از روانشناختی می پردازد در این کتاب به وجه معنا و تاثیرات و عوامل تاثیرگذار آن اشاره شده است. این کتاب که بر مینا و پایه ی نظریه عملکردگرایی جدید است. به چگونگی طراحی براساس طراحی برای انسان می پردازد. لینگ در کتاب سیمای شهر به تاثیرات مکان و کالبد بر روان افراد می پردازد و این عامل را هویت می نامد. هویت که عامل تمایز بین مکان ها می شود و موجب شناسایی کالبد محیطی مکانی از سایر کالبدهای محیطی می شود.

صفرزاد و غلامعلی زاده در مقاله ی شناسایی مولفه های موثر بر ارتقای هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان در طراحی بناهای اداری فرهنگی (مطالعه موردی: شهر رشت)، به ارتباط بین فرم و محتوا پرداخته اند و با اشاره به اینکه این جنبه ها با یکدیگر معنا می یابند به شیوه های ارتقا هویت شهر و احساس تعلق در مکان پرداخته اند. ربوبی در مقاله ی معماری بومی و کاربرد آن شناخت دیروز برای امروز و فردا معماری بومی، به بررسی تاثیرات محیط کالبدی بر انسان می پردازد، در این مقاله اشاره می شود که فرد با قرار گیری در هر محیطی، با توجه به داده های ذهنی گذشته ی خود شناسنامه ای برای آن محیط خواهد ساخت. و نتیجه می گیرد که برداشت کیفی وی از معماری به باورهای ذهنی گذشته ی وی ارتباط دارد.

صارمی و گل امینی در کتاب گیلان به عناصر تشکیل دهنده ی معماری گیلان اشاره می کنند و ساختارهای تشکیل دهنده ی این معماری را نام می برند و تفسیر می کنند.

## اهداف پژوهش

هدف از این پژوهش باز یافت و دست یابی به عوامل و جنبه های کیفی تاثیر گذار بر معماری است و با اشاره به این نکته که معماری

از بستر خود در زمینه های متعدد متاثر است، به بررسی این جنبه ها پرداخته و تاثیرات مکمل این جنبه ها بر یکدیگر و همچنین بر معماری بومی منطقه ی گیلان اشاره شده است. تا این ساختمان های با اصالت و قدمت بالا به نظر همگان رسیده و به فراموشی سپرده نشود تا آیندگان نیز بتوانند از این معماری اصیل بهره برده و با آن آشنا شوند، امید است این مقاله نقش کوچک خود را انجام دهد.

## فرضیه های پژوهش

به نظر می رسد که کیفیات محتوایی بر بهبود عملکرد و کارایی بناها تاثیرگذارند و از این جهت که هر بنایی در محیط و بستری طراحی و ساخته می شود و هر محیطی دارای ویژگی ها و جنبه های مختص به خود است. ارتباط بین این جنبه ها و کیفیات محتوایی مورد نیاز در طراحی هر بنای معماری حائز اهمیت است.

معماری همواره در بستری شکل گرفته و خود را با آن همراه و هماهنگ می کند، در جوامع امروزی، جهانی سازی معماری و عدم برنامه ریزی موجب جداسازی این دو امر مهم از هم شده است. حال باید ذکر کرد که تعریف این دو بدون هم بی معنا بوده است. و از آن جایی که هر بستری دارای چند وجه، تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی است هر یک از این وجه ها تاثیراتی بر نحوه ی شکل گیری این کیفیات محتوایی می گذارند.

## ۲- روش تحقیق

این تحقیق از نوع کاربردی بوده و روش تحقیق توصیفی و تحلیل محتواست، روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای و میدانی است و نمونه ی موردی بررسی در این تحقیق تعدادی از خانه های بومی روستاهایی از جمله نویده، سده، ویشکانک، کدوسرا و کیاسرا و کرباسده است و اطلاعات حاصل شده از طریق ارزیابی و قیاس منطقی تحلیل می گردند.

## ۳- کیفیات محتوایی

با توجه به اینکه هدف طراحان معمار، طراحی فضاها و محیط هایی مطابق با نیازهای روز افراد است، بنابراین جنبه های کیفی از اهمیتی بالایی برخوردار هستند. در واقع این جنبه ها به حفظ بقا، احساس عزت، امنیت و زیبایی افراد کمک می کنند [۱]. کیفیات از طریق معنا توسط انسان درک می شوند. و معنا به گفته ی هرشبرگ دارای پنج سطح است: معنای ظاهری، ارجاعی، احساسی و عاطفی، ارزشیابانه و تجویزی. معنا تداعی آگاهانه میان یک انگاره و یک اثر است به نحوی که به جای پیروی از الگوی ساختاری حاکم بر محیط بر معنای عناصر و اجزا تکیه می کند [۱]. در این پژوهش به چند جنبه ی معنا اشاره می شود، به معنای ارجاعی، احساسی و عاطفی و معنای ظاهری. به این ترتیب معنای ارزشیابانه و تجویزی مدنظر این پژوهش نیستند. معنای ارجاعی به یادآوری گذشته، جنگ یا پیروزی و... از طریق نمادگرایی و یادآوری ارزش ها و باورها و تحریک حواس می پردازد. در این معنا با یادآوری معناها و مفاهیمی که از گذشته سرچشمه می گیرند (خاطرات جمعی، رویدادها و حوادث و...) که مختص و منحصر به یک قوم یا ملت هستند به ایجاد احساس های

ارزشمند چون عزت نفس، امنیت، احساس تعلق و زنده نگه داشتن هویت و فرهنگ می پردازد.

با توجه به سوال مطرح شده در رابطه با نیازهای مخاطبان می توان گفت که انسان علاوه بر نیازهای فیزیولوژیکی دارای نیازهای روانشناختی نیز هست. از نیازهای روانشناختی می توان به برآوردن و تأمین حس تعلق و اهمیت به هویت انسان اشاره کرد، انسان به محیط زندگی خود وابسته است و از آن تأثیر می پذیرد و نیازمند احراز هویت است تا بتواند خود را بشناسد و برای درک این هویت باید از محیط و فرهنگ شناخت کافی داشت. هویت که ریشه در معانی ارجاعی دارد یادآور نشانه ها، نمادهایی است که متعلق به گذشته ی هر منطقه هستند.

انسان با قرارگیری در هر مکانی از آن تأثیرات مثبت و منفی بسیاری می پذیرد، تأثیری از هویت بر روان او دارد. مکان های دارای معانی و قابل درک و حس تکیه گاه مناسبی هستند که خاطرات شخصی، کیفیت ها و حواس انسان بر آن ها استوار است. هویت شخصی و مکانی به هم متصل هستند، اینکه «من اینجا هستم» حکایت از این دارد که «من هستم». [۲]. محدوده ای که یک انسان می تواند یک مکان را از مکان های دیگر متفاوت ببیند و شناسایی کند هویت مکانی آن محیط نام دارد [۳]. به عبارت دیگر می توان هویت مکانی را احساسی که در یک فرد یا جمع به واسطه ی حضورشان در آن مکان یا محیط زنده می شود نام نهاد. هویت کالبدی به معنی صفات به شکلی باید باشد که جسم شهر، در عین تداوم و تغییر زمانی و تکامل و رشد منجر به پیدایش یک کل منسجم شود [۴]. برای شکل دهی و سازماندهی یک کالبد به فرم و محتوا باهم نیاز است چون هر یک نمود دیگری است، فرم و محتوا با هم معنی می یابند و بدون یکدیگر بی معنی می شوند، محتوا درون مایه و ماحصل یک پدیده است و دارای ویژگی دوگانه ی: عینی و ذهنی است. این قسمت ها و جنبه ها باهم در ارتباط هستند و از هم معنا می پذیرند [۵]. این دو جنبه به وسیله ی حواس انسان قابل درک است. انسان هویت را در ظاهر ساختمان یا هر شی دیگری می بیند، درک می کند، داستان هایی درباره ی آن می شنود، گذشته و آینده را تحلیل می کند و برای آن معرفی نامه یا شناسنامه می سازد، به احتمال زیاد انسان این کار را بی برنامه و بدون برداشت مستقیم انجام می دهد و مغز به صورت ناخودآگاه برای آن معرفی نامه می سازد و اگر نتواند این کار را با توجه به داده های پیشین خود انجام دهد، خود با توجه به حواس و شهود برای آن موضوع شناسنامه ای می سازد، همواره انسان به واسطه ی احساس ذهنی اش به محیط نظم می دهد، بها دادن و همچنین برداشت کیفی وی از موضوعی مثل معماری به برداشت و باورهای ذهنی وی بستگی دارد [۶].

هویت را می توان احساس تعلق به پدیده ای مادی و معنوی دانست که اجزای آن از قبل شکل گرفته اند، هویت به معنای همانی با محیط یا احساس تعلق با محیط است و معیارهایی مانند احساس وابستگی، تعلق، امنیت و خاطره انگیزی را شامل می شود [۷]. چون شناسنامه ای نشان دهنده ی فرهنگ حاکم بر محیط است، هویت عامل شناسایی و تمایز یک محیط نسبت به محیط دیگری است. احمد اشرف اعتقاد دارد که هویت به معنی وجود و هستی است و مشخصه ای برای معرفی فرد است، خصوصیات رفتاری و فردی که می تواند

به واسطه ی آن ها فرد را به عنوان عضوی از یک گروه اجتماعی تلقی کرد [۸]. مسئله ی مهم این است که هویت علاوه بر اتصال به گذشته نشانگر و نمایانگر زندگی اکنون افراد نیز هست، هویت یک روند رو به رشد است که عامل شناسایی است [۹]. هویت آگاهی جامعه، گروه و فرد به خویش است که در کنش های اجتماعی به صورت مداوم و تدریجی شکل می گیرد [۱۰].

در واقع افراد ساکن هر منطقه فعالان و معرف های هویت بخش آن منطقه هستند که می توان از شیوه ی زندگی، نوع پوشش، صنایع و نوع خوراک و... آن ها برداشت های از هویت آن ها داشت، در واقع هویت می تواند نوع و نحوه ی نگاه به زندگی در یک منطقه باشد، هویت توسط محیط و کنش های اشخاص در موقعیت هایی که ساکن هستند معنا شود و تغییرات آن ها به هم متصل هستند [۱۱].

با عیان و مشخص شدن تاریخ یک محیط و مکان می توان به هویت آن منطقه تا حدودی دست یافت. هویت با فرهنگ و تاریخ منطقه ارتباط دارد [۱۲]. هویت کالبدی با «حس مکان» و «شخصیت» هم معنی است [۱۳]. اکنون که تعریفی کلی در ارتباط با هویت به دست آمده است، بیان این نکته ضروری است که با بروز رسانی هویت در هر محیط و منطقه باید آن محیط را پیشرفت ها و تکنولوژی های روز دنیا هماهنگ باشد. تا علاوه بر هماهنگی و برطرف کردن نیازها و خواسته های روزمره، مخاطبان حس زندگی پیشرفته تر و بهتر را تجربه کنند، طبق گفته ی لینچ باید راه پیشرفت و ارتقا کیفی یک منطقه به پیشرفت و ارتقا کیفی زندگی افراد کمک کند [۱۴].

معماری همواره از قواعد و اصولی که بر موقعیت مکانی خود حاکم است پیروی می کند و رابطه ای ناگسستنی با ارزش ها و فرهنگ و الگوهای اجتماعی و رفتاری جامعه دارد و این موضوع در معماری هر عصر و دوره ای قابل رویت است. در واقع این پیروی معماری از دوره ی خود موجب به وجود آمدن معماری پویا و مطابق با نیازهای روز مخاطبان می شود. هر زمان و دوره ای مطالبات خود را دارد و خواسته ها و نیازهای متفاوت و جدیدی را می طلبد. مفاهیم و معانی از زمان در فرهنگ ها و دوره های مختلف، متفاوت است. انسان در زمان و فضا زندگی می کند به همین خاطر محیط و منطقه بعد زمانی عالی است که می تواند موجب پذیرش تغییرات باشد. معماری دارای هویت نشان دهنده معماری عصر و زمان خود و حافظ هویت و فرهنگ خود، است. فرهنگ و هویت از اجتماع نشات می گیرد و هر اجتماعی دارای آرمان ها، اهداف و ایدئولوژی های خود است. حوادث و اتفاقات تاریخی گذشته، پیروزی ها و جنگ ها و... مفاهیم و معانی مشترکی برای یک اجتماع هستند. نشانه ها و مفاهیم مختلف در اجتماع های متفاوت، فرهنگ های متفاوتی با معانی متفاوتی به مردم خود منتقل می کنند. هر کالبد و فضای معماری آرزوهای منحصر بفرد و خاص خود را به نمایش می گذارد و آن ها را به شکل ظاهری مناسب به نشانه ها تبدیل می کند. معماری انضباط و نظم معنوی است که در ساختمان ها شکل یافته است و همانطور که در بالا اشاره شد هر بنایی باید دارای بعد معنایی و ظاهر متناسب باشد. بعد معنایی در معماری با حوادث و وقایع برجسته، رنگ ها، مصالح و مشخصات ظاهری و فیزیکی قابل درک و حس است [۱۵].

معماری از عوامل و اجزای زیادی تشکیل شده است. ارتباط بین این اجزا و عوامل موجب نظم می شود. همه ی اجزا و عوامل زیرمجموعه

ی یک نظام و سیستم هستند. یکی از بنیان گذاران علم زیبایی شناختی داده ها و اطلاعات نظم را در سه مرتبه تقسیم بندی کرده است: ساختاریافتگی، شکل یافتگی و آشفتنگی. ساختار یافتگی یک نظم دارای ساختار و قواعد است که می تواند فرم ها و شکل های متفاوتی به خود بگیرد. شکل یافتگی به صورتی است که تمامی عوامل و اجزای مادی به شکلی جای گرفته اند که به فرم خود آزادی داده اند. آشفتنگی به صورتی است که هیچ قاعده و قانونی برای ارتباط و هماهنگی بین اجزا وجود ندارد. در این صورت قابلیت پیش بینی صفر درصد است. در هر سه حالت فوق عوامل و اجزا از یک قانون کلی پیروی می کنند، به هر میزان نظم پیچیده تر و بیشتر باشد، محتوای اطلاعاتی کمتر می شود. ولی این قضیه به این معنی نیست که پیچیدگی بیشتر به صورت اتوماتیک وار به معنای نظم است [۱۶].

نظم اساس و پایه ی طراحی است. نظم موجب بروز تعادل و تعامل بین اجزا می شود، به این صورت که اجزا به کمک یکدیگر به تکامل می رسند. نظم رد طراحی تمامی قسمت ها و همچنین در طراحی کل مجموعه می بایست که مورد توجه قرار گیرد به نحوی که اجزا و عناصر مکمل هم باشند و علاوه بر نظم مستقل فضایی، نظم تکمیل کننده هم در نظر گرفته شود. افراد شکل و فرم ظاهری یک بنا را به عنوان یک کل منسجم می بینند، فرمی که قابل تجزیه و تفکیک نیست و دارای تعادلی است که معنا را به شکل کلی بیان می کند. فرم درست دارای تعادل و تناسبی است که به پیوستگی و نظم دعوت می کند.

ابعاد و تناسبات بدن انسان بر تناسب اشیایی که به کار برده می شوند تاثیرگذار است، همچنین این تناسبات بر حجم فضایی که برای استراحت و حرکت میاز است تاثیر می گذارد. تناسبات موجب به وجود آمدن احساس امنیت و نزدیکی بین افراد و فرم و فضا می شود. تناسب می تواند موجب این شود که یک فضا انسان را در بر گیرد به شکلی که انسان در آن فضا احساس آزادی و رهایی کند و دارای آسایش روحی و روانی باشد. تعادل یکی از مهم ترین عوامل اساسی در زیبایی شناختی است که حوزه ی مورد عمل آن به اندازه ها و ابعاد محدود نمی شود بلکه شامل مواد، رنگ ها، جنس و مصالح، بافت و... می شود. و باید همه باهم در هماهنگ باشند. عدم وجود تعادل موجب تاثیرات منفی بر مخاطب می شود و می تواند موجب به وجود آمدن احساس عدم اطمینان و اعتماد در وی شود. در سیستم درک انسان تعادل وقتی شکل می گیرد که تمام نیروها در میدان دید وی با هم رد هماهنگی باشند و به وسیله ی یکدیگر تکمیل و خنثی شوند. از این رو دو عامل وزن و نیرو مورد توجه قرار می گیرند. هر فرم و شکلی علاوه بر وزن فیزیکی دارای وزن ادراکی نیز هست. برای نمونه یک جسم روشن ممکن است که هم ردیف و هم وزن یک شی کوچکتر با رنگ تیره تر به نظر رسد. عامل دیگری که می توان به آن اشاره کرد جرم است. برای نمونه یک ساختمان با ابعاد و اندازه ی کوچکتر با مصالح بتن ممکن است با یک ساختمان با سقف چادری ولی با ابعاد وسیع تر هم وزن به نظر برسد. عامل دیگر اعتبار و ارزش محتوایی یک ساختمان است که تابع عوامل روانی و اجتماعی است. برای نمونه یک آرامگاه ممکن است که در مقایسه با یک ساختمان انبار به لحاظ روانی و ادراکی سنگین تر به نظر برسد.

نیرو نیز همچنین بر ادراک تعادل بصری موثر است. برای نمونه شکل ها و فرم های با تحرک برای انسان یادآور جهت هستند. هرچند ساکت باشند مانند یک ماشین ساکن و یا یک فلش [۱۶]. برقراری تعادل موجب ایجاد احساس آرامش و توازن در فضا و همچنین شکل ظاهری ساختمان می شود. تعادل می تواند موجب بروز هم وزنی در ساختمان نیز شود به صورتی که همه عناصر و اجزای مهم هستند و در کنار هم معنا می یابند. این تعادل موجب ایجاد حس امنیت و آرامش در انسان می شود و می تواند راهنمای انسان به قسمت ها و بخش های مختلف ساختمان باشد. همانطور که در قسمت های بالا اشاره شد از مهم ترین عواملی که در ایجاد تعادل موثر است می توان عامل رنگ را نام برد:

رنگ به تفاوت و تمایز اجزا و عناصر یک مکان یا عامل تفاوت و تمایز مکان ها و بخش های متفاوت کمک می کند [۱]. رنگ ها دارای ویژگی های اثربخشی در فضا هستند، سه عامل مهم و اساسی در انتخاب رنگ، تاثیر رنگ ها در وزن ادراکی، تاثیر رنگ ها در درک فاصله و کمپوزسیون رنگ هاست. در واقع هر رنگی با توجه به موقعیت نسبی آن مورد استفاده قرار می گیرد. رنگ های تیره سنگین ترند و رنگ های روشن سبک تر هستند. رنگ های متفاوت القا کننده ی مسافت و فاصله هستند. رنگ های گرم فضاها را کوچک تر و نزدیک تر و رنگ های سرد فضاها را دورتر و وسیع تر نشان می دهند. همچنین قرار گیری رنگ ها در کنار یکدیگر و نقش زمینه نیز بر ابعاد و اندازه ها تاثیر گذارند [۱۷].

رنگ ها را می توان به نوعی با یکدیگر ترکیب کرد که زمینه متفاوتی از کنتراست ها در ساعات متفاوت شبانه روز ایجاد شود. تنوع رنگ های مورد استفاده بر پیچیدگی آن ها اضافه می کند. همچنین استفاده از رنگ ها به شکل مورب موجب ایجاد حس رازآمیزی می شود و بهره گیری از کنتراست های مکمل و کنتراست های گرم و سرد حس رازآمیزی را افزایش می دهد. استفاده از پالت رنگی با توجه به نظریه کاپلان ها در دو الگوی دو و سه بعدی و با توجه به زمینه های متفاوت طراحی می تواند عاملی در راستای رضایت خاطر مخاطبان باشد، «فهمیدن» و «درگیر شدن» دو هدف مهم و اساسی در رابطه ی انسان و محیط هستند [۱۸]. بهره گیری از رنگ های مشابه و یکسان در جت های عمودی و افقی حس استحکام و ثبات را ایجاد می کند و عاملی در جهت ایجاد انسجام است [۱۹].

استفاده از هارمونی های رنگی، رنگ هایی که از یک خانواده هستند، باعث افزایش خوانایی می شود. استفاده از رنگ ها در جهت عمودی موجب به وجود آمدن احساس نفوذ و عمق فضا می شود [۱۸]. رنگ یک انعکاس مرئی است که در نتیجه ی انتشار، بازتاب و یا عبور نور از اشیا، دیده می شوند. از لحاظ علمی ثابت شده است که همه ی رنگ ها تشعشعات نور خورشید هستند و هر شی به نسبت خاصیت جذب پرتوها و شفافیت بعضی از پرتوها را جذب، بعضی را بازتاب می کند. در جهان محسوس رنگ و نور همنشین هم هستند و رنگ شکل تکثیر شده ی نور است. رنگ به وسیله ی تجزیه نور شکل می گیرد و نمادی تری حالت کثرت در وحدت است. به عبارتی رنگ همان نور است یعنی وحدت و از طرفی دیگر نور با تجزیه، صورت های متفاوت به خود می گیرد که یعنی کثرت، در واقع نور نماد کاملی از وحدت است که با رنگ تجلی می یابد [۲۰].



5 (4) , 2021

دوره ۵، شماره ۴

زمستان ۱۳۹۹

فصلنامه پژوهشی

مهندسی معماری

نقش کیفیات محتوایی در طراحی راهبردی فضایی معماری (مطالعه موردی: روستاهای نریده، سده، ویشکانزنگ، کدوسرا، کیاسرا و کرباسده)

یکی از چهار عامل اصلی در ادراک بینایی شدت نور است. چشم های ما مقدار روشنایی را مورد شناسایی قرار می دهند ولی تشخیص نمی دهند که دو عامل شدت و بازتاب هر کدام به چه میزان در این روشنایی موثر بوده اند. به همین دلیل در شکل پردازی یک عنصر معماری دو امکان برای تغییر و تفاوت در میزان روشنایی وجود دارد: تاثیرگذاری بر روی توان بازتاب مصالح با خواص فیزیکی در سطوح خارجی و تغییر دادن شدت نور. قدرت ادراک انسان از میزان روشنایی یک جسم نیز نسبی است و هم از طرفی به خود جسم نیز ارتباط دارد. در یک محیط تاریک به نسبت یک محیط روشن اجسام بزرگ تر به نظر می رسند. نسبی بودن ادراک افراد از روشنایی به حدی است که قدرت تشخیص اینکه یک جسم بازتابنده است یا تابنده برای انسان وجود ندارد. برای نمونه افراد ماه را به صورت یک قرص روشن می بینند اما با توجه به ادراک خود تشخیص نمی دهد که در واقع خود ماه منبع نور است یا فقط نور منبع خورشید را منعکس می کند [۱۶].

افراد زمانی می توانند از منفعت های کیفی بهره مند شوند که بتوانند سامان دهی فضایی آن موقعیت را درک کنند. در واقع خوانایی کیفیتی است که موجب این درک می شود [۲۱]. خوانایی امکانی مهیا می کند که بتوان به سهولت اجزا فضایی را شناخت و درک کرد و در ذهن به هم مرتبط کرد. خوانایی به دو جز دارد: فرم های کالبدی و الگوهای فعالیت. مکان ها و فضاها می توانند در یکی از دو جز وجود داشته باشند. برای نمونه فرم کالبدی یک مکان که دارای احساسی قابل درک و روشن است موجب سامان دهی فضایی می شود به همین میزان الگوی فعالیت نیز می تواند موثر باشد و موجب احساس آرامش و تصویر ذهنی جا افتاده ای شود [۲۱].

ادراک بر اساس اصول و اساس معین بر ذهن نظم می یابد. این نظم یا از طریق منطقی است و یا به شکل ظاهری است. محصول نظم اول تغییرات و محصول یافته ی نوع دوم، تغییرات هنری است [۱۶]. ریتمی وجود دارد که همه ی افراد می توانند درک کنند، انسان به دنبال آفرینش منظمی در طبیعت است که با آن همراه و همگام شود و این دشوار است. باید به بنا اجازه داده شود که وحشی شود! در رابطه با تاثیر تحریک کننده ی ریتم چیزی راز آمیز وجود دارد. می توان توضیح داد که چه چیزی موجب ریتم می شود اما خود افراد باید آن را تجزیه و تحلیل کنند تا درک کنند. یک شخص هنگامی که به موسیقی گوش می دهد، ریتم آن قطعه موسیقی را چیزی بیشتر از آن چه که هست درک می کند. همه بازتاب! چیزی در درون افراد وجود دارد که موجب می زند. انسانی که حرکتی ریتمیک را به طور مداوم تکرار می کند حس می کند که خود در حال کنترل این ریتم است در حالی که خیلی زود ریتم وی را کنترل می کند. بدون هیچ تلاش خودآگاهی از جانب او این اتفاق روی می دهد تا ذهن وی آزاد شود! اگر اعتقاد بر این است که هدف معماری فراهم کردن چارچوبی برای زندگی افراد است پس این چارچوب و اتاق ها باید به روش خود افراد طراحی و ساخته شوند [۲۲].

در جهت حفظ هویت و فرهنگ و موارد گفته شده می توان اشاره کرد که یکی دیگر از عوامل اساسی کالبدی عامل مصالح است. و در جهت حفظ این هویت باید از مصالح بومی و یا به اصطلاح بوم آورد بهره برد. اصلاح بوم آورد از استاد پیرنیا به جای مانده و به مصالحی

گفته می شود که به هر منطقه اختصاص دارند [۲۳]. در این قسمت منظور از مصالح بومی، تاکید به استفاده از مصالح بوم آورد و بهره گیری از تکنولوژی بومی در جهت تولید و استحصال این مصالح است [۲۴]. اما از این رو که مصالح مورد استفاده در هر بنایی بسیار متفاوت و گسترده هستند، هنگام انتخاب مصالح باید به نوع کاربری ساختمان توجه شود، همچنین سطح استفاده از مصالح بومی در هر بنایی متفاوت است. برای مثال در ساختمان های بیشتر از دو طبقه باید از سازه های اسکلت فلزی و بتنی استفاده شود. اما به شکلی می توان در نما سازی، دیوار محوطه، دیوار های پرکننده و... از مصالح بومی بهره برد. به هر روی احیا و حفظ دانش و فناوری بومی در بهره گیری از مصالح بومی بسیار ضروری است [۲۵].

### عناصر و نماد های تکرار شونده معماری در گیلان:

دوگانگی درهسته مرکزی و پوسته خارجی بنا، دارای دو طبقه و ایوان در طبقه ی دوم، کرسی چینی برای دفع رطوبت، استفاده از تیر و ستون های چوبی و دستک سواری (ترده های چوبی)، استفاده از ایوان های بلند در جبهه ی جنوبی استفاده از تقارن و تناسب موزون در پلان و اجزا سازنده [۲۶]. رعایت اصل سلسله مراتب در معماری گیلان نقشی اساسی و تعیین کننده دارد، به این صورت که برای دسترسی به خانه که حریم اصلی اهل خانه است باید از چند قلمرو عبور کرد؛ قلمرو ها عبارتند از ۱- طبیعت ۲- محوطه ۳- پله ۴- ایوان ۵- هسته درونی (اتاق ها) [۲۷]. این اصل مهم در اکثر خانه های گیلانی رعایت می شود.

فضاهای عملکردی در معماری خانه های گیلانی که به وسیله عوامل کیفی معنا شده اند، شکل گیری فضاها در معماری خانه های بومی در گیلان بر مبنای مدولی از مربع که در بیشتر مواقع به شکل خطی و در راستای شرقی- غربی است. خانه های گیلان معمولاً به اشکال زیر هستند: ۱- خانه های تک اتاقه ۲- گسترش در اطراف به وسیله یک تا چهار ایوان ۳- گسترش به صورت عمودی به شکل نیم طبقه ۴- گسترش یک طبقه به صورت عمودی با تار یک تا چهار طرفه. بعضی از نمونه های دیگر خانه های روستایی، خانه هایی با فضای بسته زبرین آن و با فضای بسته با ایوان بیرون زده است [۲۸-۳۰]. محورهای اصلی معماری خانه های روستایی در استان گیلان که تشکیل دهنده ی سلسله مراتب فضایی هستند عبارتند از: ۱- اهمیت معماری ساختمان از پایین به سمت بالا: اهمیت فضایی در طبقه بالاتر به علت شرایط مطبوع و تهویه ی مناسب تر است در نتیجه از تزئینات بیشتر و زیباتری در طبقات بالاتر استفاده می شد. ۲- اهمیت معماری ساختمان از بیرون به سمت درون: اتاق ها توسط ایوان احاطه می شوند و بیشتر از جلوی ساختمان استفاده می شود و به پشت ساختمان توجه کمتری می شود [۳۱] به طور کلی مواردی چون استفاده از مدول مربع، ایوان های عریض، استفاده از تیرو ستون چوبی، سقف با شیب تند، دستک سواری ها، تناسب موزون، تقارن های محوری و تکراری، سلسله مراتب و استفاده از پله های یکطرفه برای ارتباط بین طبقات از مشخصه های کیفی معماری خانه های بومی استان گیلان است. اکنون تاثیرات کیفی در خانه های بومی گیلانی اشاره خواهد شد:



5 (4) , 2021

دوره ۵، شماره ۴

زمستان ۱۳۹۹







فصلنامه پژوهشی

مهندسی معماری

نقش کیفیات محتوایی در طراحی راهبردی فضایی معماری (مطالعه موردی: روستاهای نویده، سده، ویشکانزنگ، گدوسرا، کیاسرا و کرپاسده)



جدول ۱ موقعیت خانه ها در روستاها

ردیف	نام روستا	نام خانه ها	محل قرارگیری خانه ها در روستا	ردیف	نام روستا	نام خانه ها	محل قرارگیری خانه ها در روستا
۱	روستا ویشکانک	خانه سماعیلی خانه جعفری		۲	روستا سده	خانه یزدانی خانه نجفی	
۲	روستا کیاسرا	خانه نظری خانه عفری		۴	روستا نویده	خانه منطری خانه پورشعبدان	
۵	روستا کدوسرا	خانه یدالله جعفری خانه احمد جعفری خانه قاسم پور		۶	روستا کرباسده	خانه کرباسده	

جدول ۲ بررسی مشخصه های کیفی در معماری خانه های بومی استان گیلان

نام خانه	حدود قدمت	نام روستا	مشخصه های کیفی در معماری گیلان	دارا	فاقد
۱	۱۲۰-۱۳۰	ویشکانک	استفاده از مدول مربع برای طراحی ساختمان	✓	
۲			ایوان عریض و تالار	✓	
۳			ارتباط طبقات به وسیله پله ی یک طرفه	✓	
۴			تیر و ستون چوبی	✓	
۵			تناسب موزون در اجزا سازنده	✓	
۶			تقارن محوری		✓
			تقارن تکراری		✓
۷			شیب تند سقف	✓	
۸			دستک سورایی	✓	
۹			سلسله مراتب	✓	

نام خانه	حدود قدمت	نام روستا	مشخصه های کیفی در معماری گیلان	دارا	فاقد
حسن نجفی	۱۰۰	سده		دارا	فاقد
				✓	
				✓	
				✓	
				✓	
				✓	
					✓
					✓
					✓

	
---	---

نام خانه	خانۀ معصومه نظری	یدالله جعفری پرست
حدود قدمت	۱۰۰	۸۰-۷۰
نام روستا	کیاسرا	کدوسرا
مشخصه های کیفی در معماری گیلان	دارا	دارا
۱ استفاده از مدول مربع برای طراحی ساختمان	✓	✓
۲ ایوان عریض و تراز	✓	✓
۳ ارتباط طبقات به وسیله پله ی یک طرفه	✓	✓
۴ تیر و ستون چوبی	✓	✓
۵ تناسب موزون در اجزا سازنده	✓	✓
۶ تقارن محوری	✓	✓
تقارن تکراری	✓	✓
۷ شیپ تند سقف	✓	✓
۸ دستک سورایی	✓	✓
۹ سلسله مراتب	✓	✓



نام خانه	خانۀ احمد جعفری پرست	خانۀ علی یزدانی
حدود قدمت	بالای ۱۰۰ سال	۹۰
نام روستا	کیاسرا	سده
مشخصه های کیفی در معماری گیلان	دارا	دارا
۱ استفاده از مدول مربع برای طراحی ساختمان	✓	✓
۲ ایوان عریض و تراز	✓	✓
۳ ارتباط طبقات به وسیله پله ی یک طرفه	✓	✓
۴ تیر و ستون چوبی	✓	✓
۵ تناسب موزون در اجزا سازنده	✓	✓
۶ تقارن محوری	✓	✓
تقارن تکراری	✓	✓
۷ شیپ تند سقف	✓	✓
۸ دستک سورایی	✓	✓
۹ سلسله مراتب	✓	✓



نام خانه	خانۀ پور شعبان	ابوذر غفاری
حدود قدمت	۶۰-۵۰	۸۰-۷۰
نام روستا	نویده	کیاسرا
مشخصه های کیفی در معماری گیلان	دارا	دارا
۱ استفاده از مدول مربع برای طراحی ساختمان	✓	✓
۲ ایوان عریض و تراز	✓	✓
۳ ارتباط طبقات به وسیله پله ی یک طرفه	✓	✓
۴ تیر و ستون چوبی	✓	✓
۵ تناسب موزون در اجزا سازنده	✓	✓
۶ تقارن محوری	✓	✓
تقارن تکراری	✓	✓
۷ شیپ تند سقف	✓	✓
۸ دستک سورایی	✓	✓



نام خانه	خانۀ منتظری	خانۀ حسن اسماعیلی
حدود قدمت	بیش از ۷۰ سال	۱۲۰-۱۳۰
نام روستا	نوینده	ویشکانک
مشخصه های کیفی در معماری گیلان	دارا	دارا
۱ استفاده از مدول مربع برای طراحی ساختمان	✓	✓
۲ ایوان عریض و تالار	✓	✓
۳ ارتباط طبقات به وسیله پله ی یک طرفه	✓	✓
۴ تیر و ستون چوبی	✓	✓
۵ تناسب موزون در اجزا سازنده	✓	✓
۶ تقارن محوری	✓	✓
تقارن تکراری	✓	✓
۷ شیپ تند سقف	✓	✓
۸ دستک سورایی	✓	✓
۹ سلسله مراتب	✓	✓



نام خانه	خانۀ رضا قاسم پور	خانۀ روشندل
حدود قدمت	۱۴۰-۱۵۰	۵۰-۶۰
نام روستا	کدوسرا	کرباسده
مشخصه های کیفی در معماری گیلان	دارا	دارا
۱ استفاده از مدول مربع برای طراحی ساختمان	✓	✓
۲ ایوان عریض و تالار	✓	✓
۳ ارتباط طبقات به وسیله پله ی یک طرفه	✓	✓
۴ تیر و ستون چوبی	✓	✓
۵ تناسب موزون در اجزا سازنده	✓	✓
۶ تقارن محوری	✓	✓
تقارن تکراری	✓	✓
۷ شیپ تند سقف	✓	✓
۸ دستک سورایی	✓	✓
۹ سلسله مراتب	✓	✓



#### ۴- نتیجه گیری

این ساختمان ها از عناصر و اجزایی تشکیل شده اند که بیانگر سطح کیفی بنا هستند. از جمله ی این عناصر می توان به معانی اشاره کرد،

چرا که معانی تمامی سطوح کیفی را شامل می شوند، در این پژوهش به معانی ارجاعی، احساسی و عاطفی و معانی ظاهری اشاره شد. معانی ارجاعی که هویت، احساس تعلق، فرهنگ و تاریخ یک ملت را در بر می گیرند و یاد آور حوادث و وقایع، باورها و ارزش ها هستند، معانی



Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Landscape Architecture.

- [۱۲] مهدوی نژاد، محمدجواد و بمانیان محمدرضا و خاکسار، ندا. (۱۳۸۹). هویت معماری، تبیین معنای هویت در دوره های پیشامدرن، مدرن و پسا مدرن. هویت شهر. (۷)، ۱۲۲-۱۱۳.
- [۱۳] میرمقتدایی، مهنا. (۱۳۸۳). معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها، هنرهای زیبا، (۱۹)، ۳۸-۲۹.
- [۱۴] گلکار، کورش. (۱۳۹۱). مولفه های سازنده کیفیت طراحی شهری. انتشارات علمی پژوهشی، (۳۲)، ۳۸-۶۵.
- [۱۵] رنجبر، فریدون. (۱۳۹۷). عوامل موثر در شکل دادن هویت به معماری.
- [۱۶] گروتو، یورت کورت. (۱۳۸۸). زیبایی شناسی در معماری، ترجمه: جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- [۱۷] رضایی، معصومه و عارفی مقدم، ویکتور؛ فرشچیان، امیرحسین. (۱۳۹۵). رنگ و تاثیر آن بر هم افزایی حس تعلق مکان در فضا سازی معماری اسلامی، مطالعات هنر و علوم انسانی، (۱۰)، ۴۱.
- [۱۸] پاکزاد، جهانشاه و عین اللهی، کاوه. (۱۳۹۲). پالت رنگی، تکنیک طراحی منظر رنگی شهرها، انتشارات معماری و شهرسازی آرمان شهر، (۱۷)، ۱۶۸.
- [19] Mahmoudi, K. & Shakiba Maneh, A. (2005). Fundamentals and Principles of Color Design in Architecture and Urban Design. 5<sup>th</sup> Ed. Tehran: Hele Publishing Co.
- [۲۰] بمانیان، محمدرضا و عظیمی، فاطمه. (۱۳۸۹). انعکاس معانی منبعث از جهان بینی اسلامی در طراحی معماری، نشریه شهر ایرانی اسلامی، (۲)، ۴۴.
- [۲۱] بنتلی، یان. (۱۳۸۲). محیط های پاسخ ده: کتابی راهنما برای طراحان، ترجمه ی مصطفی بهزاد فر، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- [22] Rasmussen, Steen Eiler. (1959). Experiencing Architecture, The Massachusetts Institute of Technology.
- [۲۲] پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۹۵). سبک شناسی معماری ایرانی، انتشارات مولف-[www.gh.memarian.com](http://www.gh.memarian.com)
- [۲۴] اکرمی، غلامرضا و علی پور، لیلیا. (۱۳۹۵). نقش مصالح بومی در معماری پایدار از دیدگاه زیست محیطی، انتشارات مسکن و محیط روستا، (۱۵۶)، ۳۱.
- [۲۵] زمرشیدی، حسین. (۱۳۸۵). آموزش اجرای ساختمان های سنتی با مصالح بنایی: پی و دیوار، مجله فناوری و آموزش، (۲)، ۸۷-۹۵.
- [۲۶] صارمی، علی اکبر و گل امینی، شهرام. (۱۳۸۰). کتاب گیلان، جلد دوم، انتشارات گروه پژوهشگران ایران.
- [۲۷] موسوی، آناهیتا. (۱۳۸۷). مفهوم و معنای فضا در معماری بومی، فصلنامه کندوج، (۷)، ۳۳-۳۵.
- [۲۸] معماریان، غلامحسین. (۱۳۷۱). آشنایی با معماری مسکونی ایرانی (گونه شناسی بروننگرا). انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
- [۲۹] دیا، داراب و یقینی، شهریار. (۱۳۷۲). تحلیل و بررسی معماری بومی گیلان. مجله معماری و شهرسازی، (۲۴)، ۱۶-۶.
- [۳۰] فرج اللهی راد، امیر. (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل سازه ای معماری بومی گیلان، جلگه شرقی. مجله هنر و معماری، (۸)، ۱۲۱-۱۱۲.
- [۳۱] میروسیفی، پویا. (۱۳۸۷). چوب این میراث کهن، معماری مسکونی معماری سبز، مجله هنر و معماری، (۸)، ۱۰۸-۱۱۱.

ظاهری که در بر گیرنده ی صورت کالبدی بنا هستند و شامل چند جز از جمله نوع مصالح، رنگ، نور ... می شود و معانی احساسی عاطفی شامل اصولی مبنی بر زیبایی شناختی و به روایتی احساس خوشایندی می شود. که شامل عناصری مانند نظم، تعادل، تناسب و... می شود. بنابراین پرداختن به این اصول منجر به طراحی و ساخت بنایی دارای اصول کیفی صحیح و هدفمند می شود. از طرفی هر یک از این زیرشاخه ها با یکدیگر و با اصول دیگر ارتباط دارند و در واقع مکمل هم هستند و هریک چون جزیی از نظام بزرگتر هستند و در راستای هدفی بزرگ که به تعادل رسیدن یک مجموعه ی بزرگ از تمام منظر هاست عمل می کنند.

اصول کیفی که بیشتر با نیازهای روانشناختی افراد مرتبط است تاثیرات مهمی بر روان و نوع فکر و نحوه ی خوشایندی یا ناخوشایندی افراد دارد. هر یک از این اصول در مناطق و بوم های مختلف تاثیرات متفاوتی بر کاربران و مخاطبان دارد. در این پژوهش به نحوه ی تاثیرگذاری این عوامل بر منطقه ی گیلان و شکل گیری معماری بومی پرداخته شده است.

## ۵- مراجع

- [۱] لنگ، جان. (۱۹۲۸). آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- [۲] لینچ، کوین؛ مترجم: منوچهر مینوی. (۱۳۷۶b). سیمای شهر. انتشارات دانشگاه تهران.
- [۳] لینچ، کوین؛ مترجم: سید حسین بحرینی. (۱۳۷۶a). تئوری شکل شهر. انتشارات دانشگاه تهران.
- [۴] سفردوست، احمد. (۱۳۸۴). پژوهش در شناخت هویت کالبد شهر رشت، تهران: سازمان عمران و بهسازی شهری.
- [۵] صفرنژاد، مهسا و کریمی آذری، امیررضا؛ غلامعلی زاده، حمزه. (۱۳۹۵). شناسایی مولفه های موثر بر ارتقای هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان در طراحی بناهای اداری فرهنگی (مطالعه موردی: شهر رشت). فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، (۴)، ۹۱-۷۹.
- [۶] ربوبی، مصطفی. (۱۳۸۴). معماری بومی و کاربرد آن شناخت دیروز برای امروز و فردا معماری بومی. انتشارات فضا.
- [۷] دانش پور، سیدعبدالهادی. (۱۳۷۹). بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهر، رساله ی دکتری. دانشگاه تهران، ۲۵.
- [۸] حجت، عیسی. (۱۳۸۴). هویت انسان ساز، انسان پرداز (تاملی در رابطه هویت و معماری). هنرهای زیبا، (۲۴)، ۶۲-۵۵.
- [۹] قطبی، علی اکبر. (۱۳۸۷). مفهوم هویت و معماری امروز ایران. آینه ی خیال، (۱۰)، ۸۳-۷۸.
- [۱۰] گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص. انتشارات نی.
- [11] Dougherty, D.L. (2006). Embodying the City: Identity and Use in Urban Public Space. Thesis submitted to the faculty of the



5 (4) , 2021

دوره ۵، شماره ۴

زمستان ۱۳۹۹

فصلنامه پژوهشی

